

المطالب

فی شرح

المکاسب

للشیخ الانصاری

جلد اول

محدوده فقه یک پایه هفت

حوزه علمیه قم

محمدحسن فایضی

سرشناسه: فایضی، محمد حسن، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور: المطالب فی شرح المکاسب للشیخ الانصاری / محمد حسن فایضی
مشخصات نشر: قم: ائمه (ع)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۶۸۸ ص.
شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ۴ ۷۰۰۰۰۰۰ ۶۳۰۰۰۰۰ ۶۰۰۰۰۰۰ ۹۷۸۱ ج ۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق. المکاسب
تقد و تفسیر معاملات (فقه): انصاری، مرتضی بن محمد امین ۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق. المکاسب
شناسنامه افزوده: ۷۰۲۱۸۱۳۹۳ م ۸ الف ۱۹۰/۱ BP
رده بندی کنگره: ۳۶۱۳۵۳۹
شماره کتابشناسی ملی:



نام کتاب: المطالب فی شرح المکاسب للشیخ انصاری جلد اول

مؤلف: محمد حسن فایضی

پایان خانه: ظهور

شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰ نسخه

ناشر: ائمه (ع)

شابک: ۴ ۷۰۰۰۰۰۰ ۶۳۰۰۰۰۰ ۶۰۰۰۰۰۰ ۹۷۸۱ ISBN

نوبت چاپ: اول / ۹۳

امور فنی: محمد حسن

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مولف محفوظ می باشد.

دفتر فروش: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۲

انتشارات ائمه (ع)

همراه: ۰۹۱۲۳۵۳۰۲۶۴ - ۰۹۱۲۷۵۸۶۲۱۹

وب سایت: www.Aemmehbook.com

پست الکترونیک: Info@aemmehbook.com

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و سلام على المرسلين، سيما افضلهم محمد صلى الله عليه و آله و سلم. فقه استدلالی را دهم امام همام حضرت باقر و حضرت صادق عليهما السلام بنیان نهادند و در تشریح و تبیین این شاگرد تربیت نمودند و بنابر تحقیق اولین کسانی که علم فقه را از این دو امام اخذ نموده و سپس به رشته ی قلم آراستند:

یکی حسن بن ابی عقیل العمائی و دیگری ابن جنید ابو علی اسکافی بود و هر دو از علمای قرن چهارم هجری بودند که ابن عقیل "المبسوط" و ابن جنید "تهذیب الشیعه لاحکام الشریعه" را تألیف نمود. در این کتاب بزرگانی چون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی رحمهم الله آمدند و با تألیف کتب اصولی و فقهی به فقه استدلالی شیعه غناء بخشیدند.

اما در این میان از حیث دقت و عمق مطالب علمی شیخ طوسی علیه الرحمه در اصول کتاب "العدة" و در فقه کتاب «المبسوط» را به رشته ی تألیف آراست که انقلابی در فقه استدلالی به حساب می آمد، به گونه ای که تا صدها سال بعد علمایی چون ابن ادریس، محقق، علامه، شهید اول و شهید ثانی، به او اقتدا کرده و فقه شیعه را پویا نمودند.

این حبل متین و نسل شریف به همین ترتیب ادامه داشت تا به مجددی بزرگ چون وحید بهبهانی رسید که در سال ۱۲۰۵ هجری سر حلقه این امر خطیر بود و بزرگانی را تربیت نمود. تا اینکه در سال ۱۲۱۴، مؤسس کبیر، علامه دهر و وحید عصر شیخ اعظم

مرتضی انصاری دزفولی پا به عرصه نهاد و سکان فقه صادق علیه السلام را به دست گرفت و به اعتراف کل، انقلابی در این عرصه به جا گذارد که فقط می توان او را با شیخ الطائفة، شیخ طوسی رحمته الله قیاس نمود.

شخصیتی که به حق "خاتم الفقهاء" تکمیل و پایان دهنده فقاہت لقب گرفت، چرا که الان یکصد و پنجاه سال است که دو کتاب فقهی و اصولی او بر حوزه های علمیّه شیعه زعامت علمی دارد. او در سن هجده سالگی وقتی مرجعیت آن موقع شیعه، مرحوم "سید مجاهد" به او می گوید: شنیده ام که فلان عالم در شهر شما دزفول اقامه نماز جمعه می کند، حل آنکه این مسأله مورد نفی بسیاری از علماست؟

شیخ در جواب ادا می را بر وجوب اقامه نماز جمعه در زمان غیبت بیان می کند که سید مجاهد از تقریر آن آیه به گفت زده شده و او را تحسین می کند. شیخ اعظم در سن سی سالگی چنان مورد اعتماد فقهی عصر خود قرار می گیرد که مرحوم علامه ملا احمد نراقی صاحب کتاب قیم "مستند النبیعه" شاگردان و فضلاء درس خود را به شیخ انصاری ارجاع می دهد.

و بالاخره زمانی که مرجعیت بزرگ شیعه مرحوم شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب ذی قیمت "جواهر الکلام" در سال ۱۲۶۶ هجری قمری در اولین لحظات حیاتش قرار می گیرد امر می کند تا شیخ انصاری را بر بالینش حاضر کنند و در این هنگام خطاب به بزرگان آن عصر می فرماید: "هذا مرجعکم من بعدی" این شخص (شیخ انصاری) مرجعیت شیعه پس از مرگ من است. و بدین ترتیب از این سال تا زمان رحلت، یعنی سال ۱۲۸۱ به مدت ۱۵ سال زعامت مطلقه شیعه را بر عهده می گیرند.^۱

و چون توفیق علم اندوزی و مایه ی مباهات علمی حوزه شدن بدون تزکیه نفس امکان ندارد، جا دارد شمه ای از حالات جناب شیخ نیز بیان گردد تا تذکری برای نگارنده و مخاطبش باشد.

۱. تاریخ ما، مشاهیر، زندگی شیخ انصاری.

احتیاط و ورع در مصرف وجوه شرعیه.

مؤلف کتاب لؤلؤ الصدف می نویسد:

روزی حدود ۲۰ هزار تومان که بسیار پول هنگفتی بود به عنوان وجوه شرعی خدمت شیخ انصاری آوردند و ایشان مشغول تقسیم آن بودند، در همان زمان، مغازه داری که شیخ از او مقداری گندم خریده بود بر شیخ وارد شد و عرض کرد: اگر امکان دارد پول گندم‌هایی را که داده ام مرحمت نمایید!

شیخ به آن شخص فرمود اگر امکان دارد چند روز دیگر به من مهلت بده و آن شخص هم پذیرفت. یکی از علماء که شاهد ماجرا بود، عرض کرد آقا چرا از وجوهات که خدمتان هست بدهی خود را پرداخت نمودید؟!

شیخ فرمود: این وجوه و اموال آن منی نیست بلکه از آن تهی‌دستان از طلب‌هاست. ان شاء الله فرشی که در خراب دارم می‌فروشم و ادای قرض می‌کنم.^۱

ساده زیستی و زهد:

یکی از مقلدین شیخ عبای ذی قیمت زمستانی برای شیخ خریده و به شیخ هدیه می‌دهد، پس از چندی آن شخص می‌بیند که شیخ با همان عبای مندرس که با مقام مرجعیت سازگاری ندارد به نماز آمده است، از آقا جویای قضیه می‌شود، شیخ می‌فرماید: آن عبا بسیار گران بود، آنرا فروختم و با پولش دوازده عبای ساده زمستانی تهیه کردم و به طلاب مستحق که عبا در این زمستان نداشتند دادم، چرا که وجدانم راضی نمی‌شد که خود عبای آن چنانی بپوشم و بسیاری دیگر عبایی نداشته باشند.^۲

۱. تندیس زهد، شرح زندگی شیخ انصاری.

۲. همان.

فروتنی و تواضع و اخلاص:

عارف و حکیم شیعی مرحوم "میرزا ابوالحسن جلوه" در حجره‌ی خود در مشهد مقدس مشغول مطالعه بود که درب حجره را کسی کوبید، پیرمردی موقر با کیسه‌ای در دست به مرحوم جلوه گفت اجازه می‌دهی امشب در حجره‌ی شما استراحت کنم؟ پیرمرد وارد حجره شد و گوشه‌ای نشست و در کیسه اش را باز نمود و مقداری نان بیرون آورد و میل کرد و سپس کیسه را بست و زیر سر نهاد و مشغول استراحت شد. در این حال ملتفت شد که مرحوم جلوه مشغول مطالعه است، پرسید چه می‌خوانید؟

— اسفار الاعداء.

— کدام مبحث.

— مبحث ادله واجب الوجود.

پیرمرد در این هنگام توضیحات کاملی در خصوص این بحث ارائه می‌دهد که مورد تعجب مرحوم جلوه واقع می‌شود و نکات خاص بحث برایش واضح می‌گرداند. سؤال می‌کند حضرت آقا شما از کجا هستید و نامتان چیست؟ پیرمرد جواب می‌دهد به شرط آنکه به کسی معرفی نکنید! من مرتضی انصاری از نجف هستم و نذر کرده‌ام تنها و پیاده به ساحت و بارگاه رضوی مشرف شوم.^۱

وسخن از سجایای اخلاقی و کرامت نفسانی این مرد بزرگ بسیار است و بی‌جهت نیست که شاگرد ممتاز ایشان در تقوی و ورع میرزا حبیب الله رشتی، استاد بزرگ خود را تالی تلّو معصوم در علوم و اصول می‌داند.^۲

شیخ انصاری رحمه الله در دو کتاب ارزشمند خود؛ مکاسب و رسائل، سبک و سیاق و دقت و عمق تازه‌ای ابداع کرده‌اند که مورد توجه علماء پس از خود واقع شده است.

۱. همان.

۲. شخصیت شیخ انصاری، به قلم نواده اش.

بر کتاب مکاسب بیش از دویست تعلیقه و شرح زده شده است که نشان از توجه وافر علماء به این کتاب است. کتاب مکاسب از دیدگاه و منظر علماء و دانشمندان کتابی دقیق و جامع در بحث معاملات است که مؤلف با قلم عالمانه خود ضمن انعکاس کلام بزرگان، هر مسأله و فرعی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و با تردیدهای منحصر به فرد خود شبهات احتمالی که ممکن است به ذهن آید را طرح نموده و ضمن جواب به آنها و تبیین پایه‌های استدلال دوباره ایجاد شبهه نموده و بعضاً این رویه را چند بار تکرار کرده و آخر الامر آنچه از بین تمامی موضوعات مطروحه به نظر صائب خود ثواب بوده را بیان می‌فرماید.

و اما مختصری را جمع به این شرح.

- این شرح از امتیازاتی برخوردار است که بالطبع کاستی‌های سائر شروح می‌باشند:
- ۱- قصد اولیه شارح، پرداختن به عبارت‌های شیخ اعظم است و در این راستا از منظر طالب علمی که تازه می‌خواهد مکاسب بخواند، مطالب شرح گردیده است و لذا بدون نگاه انتقادی، سعی در دفاع و توجیه عبارت شده است.
- ۲- برخلاف بعض شروح که ذهن عالم خود را ملاک قرار داده و آنجایی را که به نظرشان واضح بوده توضیح نداده‌اند، کلیه عبارات شیخ توضیح داده شده است.
- ۳- در بسیاری از موارد که عبارت اغلاق داشته است و ترجمه عبارت برای خواننده مبهم بوده عبارت پس از توضیح و ارجاع ضمائیر ترجمه شده است.
- ۴- برای توضیح عبارت شیخ از ده کتاب تعلیقه و شرح استفاده شده است و نکته مهم اینکه در بعض موارد که هیچ کدام عبارات را توضیح نداده‌اند و یا توضیح آنان خود نیاز به توضیح داشته، عبارت توضیح داده شده است.
- ۵- بناء شرح حاضر بر اختصار و درعین حال توضیح وافی و ساده است و لذا اگر خود شیخ صلاح ندانسته که روایت کامل آورده شود و یا ادله‌ای که مفروغ بوده‌اند را ذکر نفرموده، ما نیز تبعیت کرده، همان را ذکر و توضیح داده ایم.

۶- تمامی آیات و اخباری که مورد استدلال واقع شده‌اند ترجمه گردیده و امر به معلوم بودن ترجمه آیه و خبر و اگذار نشده است و اگر شیخ روایت را منقطعاً ذکر نموده، ما نام معصوم را از سند روایت ذکر نموده ایم.

۷- شرح حاضر بر طبق کتاب مکاسب چاپ کنگره‌ی شیخ انصاری است و علاوه بر اینکه برای هر عبارت شماره صفحه آن ذکر شده است، در حاشیه نیز آن شماره درج گردیده تا یافتن عبارت آسان‌تر گردد.

۸- به جهت اینکه ملاک در این شرح، کتاب مکاسب چاپ کنگره است لذا از آوردن آدرس روایات که در کتاب فوق آمده خود داری شده است و در عوض راوی حدیث در پاورقی ترجمه گردیده و خیلی مختصر اطلاعات رجالی او ذکر گردیده است.

۹- به منظور آشنایی اهل علم با شرح حال اکابر از علماء و تألیفات گران سنگ‌شان در پاورقی جلد اول اشاره‌ای به شخصیت عالمی که در آن صفحه نامش آمده و یا از کتاب او نام برده شده گردیده است.

۱۰- این شرح به "المطالب فی شرح المكاسب" نام گذاری شده است چرا که هر مبحث به مطالب متعددی تقسیم شده است و نکته اینکه؛ برای هر عبارتی پس از دسته‌بندی و منظم شدن، ابتدا غرض شیخ با عنوانی مختصر بیان شده است تا خواننده با یک نگاه مراد از آن عبارت مغلق را دریابد.

از خداوند منان توفیق خدمت به طالبان علوم آل محمد صلوات الله علیهم را خواهانم.

قم

محمدحسن فایضی

۷ شوال ۱۴۳۴

۱۳۹۲/۵/۲۵

فهرست مطالب

مقدمه	۵
روایت اول از تحف العقول	۱۱
روایت دوم از فقه الرضا علیه السلام	۲۶
روایت سوم از دعائم الاسلام	۲۸
روایت چهارم روایت نبوی صلی الله علیه و آله	۲۹
تقسیم مکاسب	۳۰
اكتساب به اعیان نجسه	۳۳
فروش بول حیوان حلال گوشت	۳۵
فروش بول شتر	۴۳
فروش عذره نجسه	۴۶
فروش عذره طاهرة	۵۴
فروش خون	۵۶
فروش منی	۵۸
فروش مُردار	۶۲
فروش مردار به ضمیمه مذبوح	۷۰
فروش اجزاء حیوان زنده	۷۷
فروش مرداری که خون جهنده ندارد	۸۱

۸۳	فروش شراب
۸۶	فروش عین مُتَنَجِّسَة
۸۸	فروش حیوان مسخ شده
۹۰	فروش مملوک کافر
۹۹	فروش سگ
۱۱۸	فروش آب انگور
۱۲۷	فروش روغن متنجس
۱۷۳	فروش شیء متنجس
۱۸۲	انتفاع و بهره برداری از اعیان نجسه
۱۹۹	مالیت داشتن اعیان نجس
۲۰۲	انتقال حق اختصاص عین نجس
۲۰۷	احکام حیازت
۲۰۹	فروش بُت و مظاهر کفر
۲۱۹	فروش وسائل قمار
۲۲۲	فروش وسائل لهو و بی فایده
۲۲۴	فروش ظروف طلا و نقره
۲۲۵	معامله با سکه های قلابی
۲۳۰	فروش انگور به شرط تخمیر
۲۳۸	فروش کنیز آوازه خوان
۲۴۳	معامله انگور با قصد طرفین بر تخمیر
۲۴۸	تعریف اعانة بر گناه
۲۶۷	تمسک به ادله دفع منکر برای حرمت معامله ای که قصد حرام از آن شده است

۲۷۵	و بطلان معامله‌ای که قصد حرام از آن شده است
۲۷۸	ن سلاح به اعداء دین
۲۹۱	ن کالایی که منفعت حلال و عقلایی ندارد
۳۰۹	س ماشطة، نیرنگ زن آرایشگر
۳۲۴	ن به مختصات جنس مخالف
۳۲۹	۸یب، خواندن شعر برای زن اجنبیة
۳۳۸	۷ی و مجسمه‌سازی
۳۵۵	۳داری مجسمه و تقاسم
۳۷۱	۲روشی
۳۷۶	۹اره‌شناسی
۴۲۴	۲ب ضلال
۴۳۴	۷وة و حيلة در معامله
۴۶۱	۹ب و فحش به مؤمن
۴۶۸	۹دوگری
۴۹۵	۲بده‌بازی
۴۹۷	۴ش و حيلة در معامله
۵۱۶	۵انه‌خوانی
۵۶۶	بیت
۵۷۸	۸نی و مفهوم غیبت
۵۹۵	۳بیهات غیبت
۶۰۷	۸ناره غیبت
۶۱۵	۷ستثنیات غیبت

- ٦٤٠ استماع غيب
- ٦٤٨ ذو لسانين
- ٦٥٠ بهتان
- ٦٥١ حق مؤمن بر مؤمن
- ٦٥٨ قمار
- ٦٨٢ قيادة